

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عالم پس از مرگ

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم

نام جزوه: عالم پس از مرگ
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق
ناشر: موسسه در راه حق
نوبت چاپ: مکرر
تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش
چاپخانه: سلمان فارسی
نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)
کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق
تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

مرگ.....	۵
عالم برزخ.....	۶
پرسش در قبر.....	۱۵
عذاب قبر.....	۱۹
یاد مرگ.....	۲۳
بهشت.....	۲۸
دوزخ.....	۳۲
شفاعت.....	۳۷

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۵

مرگ

«یک روز ازین خانه برون خواهیم شد.»

آری، آنکه نمرده است و نمیرد خداست؛ و ما
بندگان سرانجام روزی از این خانه بیرون خواهیم
رفت... غروب هر روزه، تمثیلی شاعرانه از رحلت
ماست؛ خوشا، اگر به دیگر روز، چنان چون
خورشید، خندان و تابناک سر از افق رستخیز
برآوریم... و این مهم است و گرنه از غروب کردن
ناگزیریم... و مرگ واقعی است که همگان را خود
ناخواه در می‌رسد.

آنچه باید بدان بیندیشیم این است که پس از
مرگ، چه خواهیم شد؟ آیا نابود می‌شویم، آیا پایان

۶ / عالم پس از مرگ

زندگانی هر کس به مرگ اوست؟ یا باز می‌مانیم و اگر چنین است، بقای ما چگونه است؟

آنان که به خداوند ایمان ندارند، مرگ را نابودی انسان می‌پندارند و زندگی را به همین یک دو روز محدود می‌دانند و می‌گویند هرکسی چند روزه نوبت اوست؛ اما مکتب‌های اصیل وحی، با این پندار، سخت مخالفند و انسان را جاودانه و مرگ را تنها نردبان انتقال به عالم برزخ و قیامت - که سرای ابدی است - می‌دانند.

عالم برزخ

بنا بر آیه‌های روشن قرآن کریم و اخبار بسیاری که از پیشوایان دین رسیده است، مرگ، نابودی انسان نیست. روح آدمی، پس از مرگ باقی خواهد بود و

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۷

در نعمت یا عذاب، به سر خواهد برد تا هنگام و
هنگامه‌ی رستاخیز.

این مدت، یعنی از مرگ تا رستاخیز، برزخ
نامیده می‌شود.

حیات برزخی، یک زندگی حقیقی است، نه
خیالی و فرضی. خداوند می‌فرماید:

مپندار آنان که در راه خدا شهید شدند، مرده‌اند،
که زنده‌اند و نزد پروردگار خویش روزی داده
می‌شوند و به آنچه خدا از کرم خویش به آنان داده،
خوشنودند^۱ بدیهی است که اگر حیات حقیقی

۱. آل عمران، آیات ۱۷۰ - ۱۶۹: و لا تحسبنّ الذّین قتلوا
فی سبیل الله امواتاً بل احياءٌ عند ربّهم؛ یزرقون، فرحین
بما آتاهم الله من فضله.

۸ / عالم پس از مرگ

نباشد؛ در آیه‌ی بالا جمله: «نزد پروردگار خود روزی داده می‌شوند» بی‌معناست.

نیز در مورد «مؤمن آل یاسین» - که به قوم خود توصیه می‌کرد تا از فرستادگان عیسی پیروی کنند و نکردند و او را کشتند - می‌فرماید:

«به او گفته شد: به بهشت درآی؛ گفت: کاش قوم من، می‌دانستند که پروردگارم مرا آمرزید و در شمار گرامیان خلق خویش قرار داد.»^۱

پیدااست که منظور از بهشت، در این آیه، همان بهشت برزخی است؛ که مردم با ایمان، در فاصله‌ی مرگ و رستخیز از آن بهره‌مند می‌گردند.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۹

قرآن کریم، درباره‌ی کافران و آنان که تا دم

مرگ به کردار ناروا ادامه می‌دهند، می‌فرماید:

«تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان، فرا رسید؛

گوید: پروردگارا، مرا بازگردانید شاید با آنچه

واگذارده‌ام به عمل صالح و کارهای پسندیده

بپردازم.»

اما این خواسته برنیامده می‌ماند و خطاب در

می‌رسد که:

« كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ

إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ » هرگز! این سخنی است که بر زبان

می‌آورد - اگر بازگردد نیز همان است که بود - و

۱۰ / عالم پس از مرگ

پس از مرگ تا روز برانگیخته شدن در برزخ خواهند بود^۱.

اینک داستانی واقعی در همین زمینه بشنویم:
هنگامه‌ی جنگ بدر فروخته بود و دشمن
گریخته، و کشته‌ها بازمانده... برخی از کشتگان کفار
را در چاهی ریخته بودند؛ پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بر سر آن چاه
آمد و به آن مردگان فرمود:

شمایان، ای کفار! همسایگان بدی بودید؛
پیامبر خدای را از خانه‌ی خویش را ندید و در
دشمنی و جنگ با او، با یکدیگر همدست شدید،
اینک من وعده‌ی پروردگارم را راستین یافته‌ام! آیا
شما نیز، وعده‌ی پروردگارتان را به حق یافتید؟

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۱۱

«عمر» که این مکالمه را می شنود، گفت: ای پیامبر اینان که بدن هایی بی جان بیش نیستند، چگونه با آنها سخن می رانید؟!

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: بس کن که سوگند به خدا، تو شنواتر از آنان نیستی، همین که من برخیزم و روی از ایشان بازگردانم، فرشتگان عذاب با گرزهای آهنین، فرو می کوبندشان!^۱

امیرالمؤمنین، علی عَلِيٌّ نیز، در پایان جنگ جمل، با اسب، میان کشتگان می گشت، به جسد کعب بن سوره رسید. کعب در زمان عمر به سمت قضاوت بصره منصوب شده بود و تا پایان دوران

۱. شرح عقاید صدوق، تألیف شیخ مفید، ص ۴۱ - بحار،

۱۲ / عالم پس از مرگ

عثمان قاضی بصره بود، این شخص در جنگ جمل قرآن به گردن آویخت و همراه اهل و فرزندان به جنگ امام علی علیه السلام آمد و همگی کشته شدند - امام علی علیه السلام فرمان داد او را نشانند؛ آنگاه خطاب به او فرمود:

ای کعب، من وعده‌ی خداوندم را حق یافتم، آیا تو نیز وعده‌ی خدای خود را راستین یافتی؟ و سپس فرمود، او را بخوابانید. آنگاه با پیکر طلحه نیز چنین کرد.

شخصی به آن گرامی عرض کرد:

این کار چه سودی دارد، آنان که سخن تو را

نمی‌شنوند!

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۱۳

فرمود: سوگند به خداوند که هر دو سخنم را شنیدند چنانکه کشتگان بدر سخن پیامبر را^۱.

نیز حبه‌ی عنری می‌گوید: با امیرالمؤمنین، علی علیه السلام به وادی‌السلام رفتیم. آن گرامی ایستاد و پنداشتی گویا با کسانی سخن می‌گوید.

من نیز چندان ایستادم که خسته شدم، پس نشستم، اما باز خسته شدم، برخاستم و بازنشستم و چون باز خسته شدم، برخاستم و ردای خویش پیش بردم و عرض کردم اجازه دهید ردا را بیاندازم تا کمی بر آن بیاسایید. بیم دارم که از بسیاری ایستادن ناراحت شوید؛ فرمود:

۱. شرح عقاید، ص ۴۲ - بحار، ج ۶، ص ۲۵۵.

۱۴ / عالم پس از مرگ

ای حبه، این ایستادن ناراحتی ندارد؛ زیرا یا به
انس و یا به گفتگوی با مؤمنی مشغولم.
گفتم: آنان هم اینطورند؟
فرمود: آری، اگر پرده از چشم تو بازگیرند،
خواهی دید که گروه گروه با یکدیگر به صحبت
نشسته‌اند.

گفتم: اجسامند یا ارواح؟
فرمود: ارواح؛ مؤمنی در هیچ گوشه از عالم
نمی‌میرد مگر که به روح او فرمان می‌رسد. به
وادی السلام در آی و آن، غرفه‌ای از بهشت عدن - و
مینوی برین - است که ارواح مؤمنین از دور و
نزدیک، در آنجا گرد می‌آیند^۱.

۱ . کافی، ج ۳، ص ۲۴۳ - بحار، ج ۶، ص ۲۶۸ - ۲۶۷.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۱۵

پرستش در قبر

از بسیاری از روایات استفاده می‌شود که روح با بدن در قبر ارتباط ویژه‌ای دارد، هرچند چگونگی این ارتباط به خوبی روشن نیست.

امام ششم حضرت صادق علیه السلام فرمود: آن که پرستش قبر را انکار کند، شیعه‌ی ما نیست.^۱

هنگامی که مرده را در قبر می‌نهند، فرشتگان پرستش، حاضر می‌شوند و از دین و عقاید و اعمال او می‌پرسند، اگر شخص، با ایمان و نیکوکار باشد و مؤمنان و گرنه به کافران و بدکاران می‌پیوندد و

۱. امالی شیخ صدوق، ص ۱۷۷، چاپ قدیم - بحار، ج ۶، ص ۲۲۳ (از برخی روایات استفاده می‌شود سؤال قبر مخصوص مؤمنان و کافران خالص است).

هریک دوره‌ی برزخ را تا قیامت با گروه خویش خواهد گذرانید.

شیخ صدوق - که رحمت خدا به روان او باد - در اعتقادات خود می‌نویسد: به عقیده‌ی ما پرسش قبر حق است و آنکه درست پاسخ گوید، در قبر از راحت و نعمت بهره می‌برد و در آخرت از بهشت؛ و آنکه نتواند درست پاسخ گوید، در قبر عذاب خواهد دید و در رستاخیز به دوزخ خواهد رفت.^۱

امام چهارم سجاد علیه السلام، هر جمعه در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، مردم را به این کلمات پند می‌داد:

«ای مردم! پرهیزگاری را برگزینید؛ بازگشت شما به خداست؛ هر که اینجا نیکی کرده است، آنجا

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۱۷

پیش روی خواهد یافت و هر که کردار ناپسند انجام داده، دوست دارد که بین او و کردارش فاصله‌ای بلند درافتد؛ خدای شمایان را از عذاب و خویش می‌ترساند.

دریغا تو، ای فرزند آدم! که غافلی اما از تو غافل نیستند؛ مرگ شتابناک‌تر از هر چه در می‌رسد و تو را می‌جوید؛ و آنک تو را درخواهد یافت؛ چنان است که گویی آن هنگام فرارسیده و فرشته‌ی مرگ، روح از تو بازستانده و تنها به خانه‌ی (قبر) درآمده‌ای و فرشتگان پرسش، برای سؤال و امتحانی سخت؛ نزد تو آمده‌اند:

نخستین پرسش: از خدایی است که او را عبادت می‌کردی و از پیامبری که به سوی تو فرستاده

شده بود و از دینی که بدان پایبند بودی و از کتابی که معتقد بودی و می خواندی و امامی که ولایتش را گزیده و فرمان او می بردی آنگاه از شمار عمرت می پرسند که در چه راه گذاری و از مال ثروت که از کجا اندوختی و در چه راه مصرف کردی... پس در خود بنگر و پیش از پرسش، آماده ی پاسخ باش!

اگر ایمان داری و پرهیزگاری و دین خویش خوب می شناسی و از پیشوایان راستگو، پیروی می کنی و دوستدار دوستان خدایی؛ خداوند زبانت را به حق گویا خواهد کرد و تو را به بهشت و رضای خویش مژده خواهد داد و فرشتگان، با نعمت و روزی به پیشباز تو خواهند آمد؛ و گرنه زبانت لکنت خواهد یافت و از پس پاسخ برنخواهی آمد و تو را به آتش، وعده خواهند کرد و فرشتگان

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۱۹

عذاب با پذیرایی از آب جوشان و آتش، سوی تو
روی خواهند آورد.^۱

عذاب قبر

دریافت‌های انسان در برزخ، بی‌ارتباط به کردارهای
او در دنیا نیست، آنان که پرهیزگارانۀ جان سپرده‌اند،
برزخ نمونه‌ای از بهشت برایشان خواهد شد و
نیکی‌های خویش را به گونه‌های زیبا و چشم‌نواز
خواهند دید؛ حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
می‌فرماید:

هنگامی که مؤمنی می‌میرد، شش چهره‌ی زیبا
که یکی از همه خوش‌بوتر و خوش‌روتر است

۱. امالی صدوق، ص ۳۰۱ - بحار، ج ۶، ص ۲۲۳.

۲۰ / عالم پس از مرگ

همراه او به آرامگاهش می‌شتابند و در راست، و
چپ، بالا، پایین، پشت و سر و پیش روی او
می‌ایستند؛ آنگاه آن خوش‌روترین از دیگران
می‌پرسید: شما یان چه کسانی‌د؟

آن‌که بر راست ایستاده است می‌گوید: من
نمازم، و آن‌که بر چپ، می‌گوید: من زکاتم و آنکه
در روبرو، می‌گوید: من روزه‌ام؛ و پشت‌سری
می‌گوید: من حج و عمره‌ام و پایینی می‌گوید: من
نیکی‌هایی هستم که به برادرانش کرده است!

آنگاه همه از زیباترین می‌پرسند:

تو خود کیستی که از همه برتری؟

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۲۱

می‌گوید: من ولایت و دوستی آل

محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و اما، آنان که عرصه‌ی دنیا را از کفر و ناپاکی
و کردارهای زشت پلید کرده بوده‌اند، چون به قبر
درآیند؛ آن را تنگ و تاریک می‌یابند و فرشتگان
عذاب ایشان را رنج خواهند داد.

پیامبر عزیز اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در تشییع جنازه‌ی یکی
از انصار حضور یافتند؛ و پس از دفن بر قبر او
نشستند و سربه‌زیر افکندند، آنگاه سه بار فرمودند:
خدایا به تو پناه می‌برم از عذاب قبر.^۲

۱. محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۸۸ - بحار، ج ۶، ص ۲۳۴.

۲. المحجة البيضاء، ج ۸، ص ۳۰۲.

سؤال قبر و عذاب آن را الزاماً نباید با چشم سر دید؛ بلکه همین قدر که پیامبران و امامان و پاکان و نیکانی از آن خبر داده‌اند، کافی است و باید پذیرفت.

مرحوم ملامحسن فیض کاشانی می‌فرماید: این چشم، صلاحیت مشاهده‌ی آنچه در ملکوت می‌گذرد، ندارد و آنچه در آخرت و برزخ می‌گذرد، امری ملکوتی است آیا نه این بود که اصحاب پیامبر به نزول جبرئیل ایمان داشتند، درحالی‌که خودشان نمی‌توانستند او را ببینند؛ عذاب قبر نیز امری ملکوتی است و برای درک آن حس دیگری

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۲۳

لازم است که جز پیامبران و اولیاء خدا از داشتن آن محرومند.^۱

یاد مرگ

برخی از یادآوری مرگ می‌گریزند و به اندیشیدن درباره‌ی آن تن در نمی‌دهند؛ گویی آب بقا نوشیده‌اند و جاودانه در همین جهان می‌مانند؛ که چنین از باده‌ی غفلت مستند.

با این که می‌دانند اما نمی‌پذیرند که آن که نمر دست و نمیرد خداست.

اینان بر اثر غفلت از مرگ؛ بی‌هدف عمر می‌گذرانند؛ در فکر اصلاح خویش بر نمی‌آیند؛

۲۴ / عالم پس از مرگ

لحظه‌ها را چنان چون عقربه‌ی ساعت به سرگردانی
به سر می‌برند و چه بسا به پلیدی گناه آلوده
می‌شوند. زندگی اینان با زندگی حیوان‌ها، فاصله‌ای
بسیار ندارد.

شیوه‌ی کردارشان با روش افعال برگزیدگان
خدا بسیار متغایر است:

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرمود:

بسیار از مرگ یاد کنید که از گناهان می‌کاهد و
رغبت انسان را نسبت به دنیایی که مقدمه‌ی ترقیات
روحی و معنوی نباشد کم می‌کند.^۱

در برابر، برخی دیگر به پیروی از دستور
رهبران دین - که درود خدای برایشان - بسیار به یاد

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۲۵

مرگ می‌افتند و از هر وضعی که پیش آید، برای روز رستخیز سود می‌جویند. دنیاشان دنیایی است پیشاهنگ دنیایی واپسین. تلاش‌هایی که می‌کنند از سر سودجویی و هوس‌های شخصی نیست؛ دنیا از دیدگاه اینان ارزشی چندان ندارد که برای به دست آوردن آن دست و دامن به جنایت و خیانت بیالایند بلکه با روحی بزرگ، به کار و کسب خدمات اجتماعی می‌پردازند تا از این زندگی به‌طور کامل برای زندگی رستخیز بهره‌بردارند.

اینان از مرگ نمی‌هراسند؛ و نمونه‌ی والای

این دسته امیرالمؤمنین، علی علیه السلام است که به هنگام شهادت و فرود آمدن شمشیر خصم؛ اولین کلامی

۲۶ / عالم پس از مرگ

که فرمودند؛ چنین بود: **فزت و ربّ الکعبة** به
خدای کعبه سوگند که رستگار شدم.^۱

آری، خروج از تنگنای این جهان و ورود به
جاودانگی جهان ابدی، آسودگی و رستگاری است
اما برای آنان که به شیوهی حضرت علی علیه السلام در این
تنگنا عمری را به پاکی گذرانده و به تقویت روح و
جان و اندیشه‌ی خویش و به عبادت و بندگی خدا
و خدمات اجتماعی، مشغول می‌بوده‌اند.

از ابوذر غفاری پرسیدند: چرا از مرگ بیزاریم؟

۱ . مناقب ابن شهر آشوب، چاپ نجف، ج ۳، ص ۹۵

بحار، ج ۴۲، ص ۲۳۹.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۲۷

فرمود: شما دنیایتان را آباد و آخرت خویش را
ویران ساخته‌اید؛ از این رو مایل نیستید از آبادی به
خرابه کوچ کنید.^۱

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرمود: آیا دوست دارید
همگی به بهشت روید؟ همه گفتند: آری، آنگاه
فرمود پس آرزوها را کوتاه کنید و همیشه مرگ را
در نظر داشته باشید و چنانکه باید از خدا شرم
نمایید.^۲

یادآوری کردن به خویشان به هنگام مرگ
آشنایان و نیز، گهگاه دیدار از گورستان‌ها و زیارت

۱. اعتقادات صدوق، ص ۱۶ - المحجة البيضاء، ج ۸،

ص ۲۵۸؛ بحار، ج ۶، ص ۲۴۶.

۲. المحجة البيضاء، ج ۸، ص ۲۴۶.

۲۸ / عالم پس از مرگ

قبور مؤمنان، در یادآوری مرگ و پند گیری، مؤثر است.

بهشت

بهشت جایگاه جاویدی است که خداوند برای پاداش، نیکوکاران را در آن جای می‌دهد. در آن، همه گونه نعمت‌ها و وسیله‌های آسودگی و فراغت و راحتی و نیز هر چه ساکنان آن بخواهند، فراهم آمده است.

در بهشت، از کینه، حسد، دشمن‌کامی اثری نیست و همه با یکدیگر برادرانه روزگار می‌گذرانند.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۲۹

هر کس در آن همواره خواهد ماند و هیچ رنجی به
هیچ کس نمی‌رسد»^۱.

«بندگان پاک و اخلاص، در بهشت، بزرگوارانه
زندگی می‌کنند و محترمند. بر تخت‌های دستباف
تکیه می‌زنند و رویاروی هم می‌نشینند و با یکدیگر
مأنوسند.

خدمتکاران جوان، با قدح‌ها و پارچ‌های شفاف
و پر از شراب، گرد آنان می‌گردند؛ شرابی که نه
خماری می‌آورد و نه سر دردی برمی‌انگیزد و نه
خِرَد و هوشیاری را تباه می‌کند... و نیز هرگونه میوه
و گوشت هر پرنده‌ای را که بخواهند در دسترس
دارند...

۱. مستفاد از آیه‌ی، ۴۷ و ۴۸، سوره‌ی حجر.

۳۰ / عالم پس از مرگ

این همه، پاداش نیکی‌هایی است که در جهان
کرده‌اند»^۱.

«بهشتیان با هم گفتگو می‌نشینند: یکی
می‌گوید:

- ای یاران بهشتی! من در دنیا همنشینی
داشتم که از سر ناباوری و انکار می‌گفت:

آیا تو داری که ما چون مردیم و خاک شدیم،
دگرباره زنده شویم و به جزای خویش برسیم؟!

یاران! اینک خوب است به او سری بزنیم تا
احوال او دریابیم.

آنگاه نظر می‌افکند و او را در دوزخ می‌بیند.

۱ . مستفاد از سوره‌ی واقعه آیه‌های ۲۴ - ۱۱ و سوره‌ی

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۳۱

و به او می‌گویید: سوگند به خداوند که نزدیک بود مرا نیز چون خود هلاک گردانی، اگر لطف خداوند نمی‌بود، اینک من نیز گرفتار عذاب خداوندی بودم.

آنگاه بهشتیان باهم می‌گویند: آیا راستی ما دیگر نخواهیم مرد، جز همان مرگ نخستین که گذشت و راستی آیا ما عذاب نخواهیم دید؟ آری، این است رستگاری بزرگ».

اهل عمل، برای چنین بهشتی باید عمل کنند:

لِمَثَلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ.^۱

دوزخ

دوزخ جایگاه کافران و گناهکاران است. عذاب و شکنجه‌های آن، قابل قیاس با عذاب‌های این جهان نیست.

خداوند در قرآن کریم تصویری چنین هولناک از آن به دست می‌دهد.

«آنان که به آیات ما کافر شدند، زود است که در آتش درافکنیمشان که هرگاه پوست بدنشان بسوزد و بریزد دوباره پوستی نو، بر تنشان فرو می‌پوشیم تا دگرباره بسوزند و عذاب ما را بچشند؛ همانا خداوند، مقتدر و حکیم است.^۱»

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۳۳

«... برای کافران لباسی از آتش دوخته و بر سرشان آب سوزان جهنّم فرو ریخته می‌شود که پوست بدنشان و آنچه درونشان است، گداخته گردد و هم گرزهای آهنین برایشان فراهم آمده است.

هرگاه بخواهند از دوزخ، از اندوه و عذاب آن بدر آیند؛ - به وسیله‌ی فرشتگان عذاب - باز گردانیده می‌شوند و بدیشان می‌گویند: عذاب سوزان خدا را بچشید!»^۱.

«دوزخیان به نگهبانان خویش می‌گویند: از پروردگارتان بخواهید که به قدر یک روز ما را وانهد و عذاب نفرماید.

۱. مستفاد از آیه‌های ۲۳ - ۱۹ سوره‌ی حج.

۳۴ / عالم پس از مرگ

نگهبانان دوزخ می گویند: مگر پیامبران شما -
با معجزه‌ها و دلیل‌های روشن - برای هدایت
شمایان نیامدند؟

می گویند: آری، آمدند.

نگهبانان می گویند: پس هر چه می خواهید
هر کس را فراخوانید که خواندن کافران فایده‌ای
نخواهد داشت»^۱.

«إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا، لِلطَّٰغِينَ مَآبًا، لِابْتِثَانٍ
فِيهَا أَحْقَابًا؛ همانا دوزخ کمینگاهی است برای
سرکشان و ستمکاران، جایگاهی است برای

۱ . مستفاد از آیه‌های ۵۰ - ۴۹، سوره‌ی مؤمن.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۳۵

**سرکشان و ستمکاران، جایگاهی که در آن
روزگاران دراز خواهند ماند»^۱.**

وای بر غیبت کننده‌ی طعنه زن، آن که مالی
می‌اندوزد و - به شیفتگی - آن را برمی‌شمارد؛
می‌پندارد که مال می‌تواند او را - در این سرای -
جاودان سازد؛ نه، چنین نیست؛ حتماً به «حطمه»
فروافکنده می‌شود و تو چه می‌دانی که «حطمه»
چیست: آتش برافروخته‌ی خداوندی است که بر
دل‌ها چیره می‌گردد...^۲

امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید:

۱. سوره‌ی نبأ، آیه‌های ۲۳ - ۲۱.

۲. سوره‌ی همزه، آیه‌های ۹ - ۱.

«بدانید که پوست نازک تتان یارایی تحمل و برتافتن آتش دوزخ را ندارد، پس به خویش رحمت آورید؛ شما که خود را در ناراحتی‌های جهان آزموده و به ناتوانی خویش آگاه شده‌اید و دیده‌اید که چون خاری به تن شما می‌خلد یا پایتان خون‌آلوده می‌شود یا ریگ گرم زمین آن را می‌سوزاند؛ چگونه بی‌تاب می‌شوید. پس چه گونه خواهید بود هنگامی که بین دو طبقه از آتش قرار گیرید، درحالی که هم خوابه‌ی سنگ و هم‌نشین شیطان باشید.

ای گروه بندگان خداوند، خدا را به یاد داشته باشید. در حال سلامتی پیش از آن که بیمار شوید و درحالی که مجال و گشایش دارید و از آن پیش که

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۳۷

در تنگنا قرار گیرید؛ پس برای آزادی خویش از آتش دوزخ بکوشید از آن پیش که راه نجات ناممکن شود؛ در راه خدا به چشمانتان بی‌خوابی و به شکم‌هایتان گرسنگی دهید (= روزه بگیرید) و گام‌هایتان را در راه او به کار گیرید و از دارائی‌تان در راه او به بخشایید؛ از بدن‌هایتان به سود روح و جانتان بهره‌بردارید و دریغ نوزید...»^۱

شفاعت

یکی از مسائل روشن در قرآن کریم، و هم در اخبار بسیار، مسأله‌ی «شفاعت» است. شفاعت یعنی میانجی‌گری برای بخشودگی گناهان کسی.

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه‌ی ۱۸۲، ص ۵۹۹-۵۹۴.

این وساطت که به اجازه‌ی خداوند در برخی از گناهان و در مورد برخی از گناهکاران صورت می‌گیرد، بر اساس رحمت گسترده و لطف عمیق خدا، استوار است و موجب امید مؤمنان می‌گردد.

اگر ایمان آورنده‌ای، این شایستگی را به دست آورده باشد که مورد آمرزش و عفو قرار گیرد و از درجه‌های بلند، باز پس نماند؛ گرچه در دنیا به توبه موفق نشده باشد، خدای او را به وسیله‌ی شفاعت مورد بخشایش عظیم خویش قرار می‌دهد. در رستخیز، پیامبران و پیامبر گرامی اسلام و ائمه‌ی اطهار صلوات الله علیهم به اذن خداوند نسبت به برخی از گناهان، نزد خدا، شفاعت خواهند کرد؛ البته برخی از کسان چندان گناهشان سنگین است که تا مدتی عذاب نبینند، لیاقت شفاعت را نمی‌یابند.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و چهارم / ۳۹

اما برخی از گناهان است که به‌طور کلی، لیاقت
شفاعت را زایل می‌کند، چنانکه در اخبار آمده
است که:

شفاعت ما - اهل بیت - نصیب آنان که نماز را
سبک می‌شمارند؛ نمی‌گردد.^۱